



تـقديم بـساحت مقدسـ حضرـت امير المؤمنـين،

علـى ابـن اـطـالـب عـلـيـهـ الـبـلـغـةـ

و

پـدر و مـادر عـزـيزـم کـه مـرا شـیـدـه او تـرـیـتـ کـرـدـدـهـ

عدالت و ماد خدا

آشنایی با روحانیت امام علی علیه السلام

تألیف: دکتر رضا شاه کاظمی

ترجمه: مهدی شفیعیان



عدالت و یاد خدا

تألیف: دکتر رضا شاه کاظمی

ترجمه: مهدی شفیعیان

ناشر: دانشگاه امام صادق (ع)

طرح جلد: محمد فدایی

ویراستار ادبی: مهدی میاشری

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ اول: زمستان ۸۸

چاپ و صحافی: زلال کوتیر

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۶۰۰-۵۵۷۴-۱۱-۱

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران، بزرگراه شهید چمران، بلوار مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)، ص.ب. ۱۵۹ - ۱۴۶۵۵ - ۰۹۴۰۰ - ۰۱۵ - ۰۹۸۰

سرشناسه: شاهکاظمی، رضا Shah-kazemi, Reza

عنوان و نام پدیدآور: عدالت و یاد خدا: آشنایی با روحانیت امام صادق (ع) تالیف رضا شاه کاظمی؛ ترجمه مهدی شفیعیان.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۳۱۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۷۴-۱۱-۱-۰۰۵۰

وضعیت فهرست نویسی: فیض

نامه انتشار: عنوان اصلی: عدالت و یاد خدا: آشنایی با روحانیت امام صادق (ع)

نشر اخراج: شفیعیان، مهدی، ۱۳۵۹- مترجم

مشخصه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)

زده بندی کنگره: RP ۳۸۰/۹ ع ۱۳۸۸

زده بندی دیویس: ۲۹۷ ۹۵۱

شماره کتابشناسی ملی: ۲۲، ۹۹۸۱

فهرست مطالب

۷	سخن ناشر.....
۱۱	مقدمه مترجم.....
۱۷	پیشگفتار: منابع میراث معنوی امام علی (علیهم السلام)..... فصل اول:
۲۹	آشنایی با امام علی (علیهم السلام) و شخصیت روحانی ایشان.....
۴۶	روح عقل.....
۶۳	گفتار با کمیل.....
	فصل دوم:
۱۰۹	مفهومی مقدس از عدالت در نامه امام علی (علیهم السلام) به مالک اشتر....
۱۱۱	علم اخلاق معاصر و سنت احسانی.....
۱۲۱	نامه به مالک اشتر.....
۱۲۷	عدالت در برابر ظلم.....
۱۲۷	فضیلت انسانی و حقیقت غایی.....

۱۳۴ فایق آمدن بر شرک خفی
۱۴۰ وجودان اخلاقی و آگاهی روحانی
۱۴۴ همدردی عدالت
۱۵۰ "خوشبینی به خداوند"
۱۵۲ حکومت و جامعه
۱۵۷ فقیران: "به انصاف نیازمندتر از دیگرانند"
۱۵۹ تحقیق نیت
۱۶۴ فضیلت پرستش
۱۶۸ نگریستان به سرچشمه خوبی‌ها

فصل سوم:

۱۸۹ ادراک از طریق یاد خدا: امام علی (علیهم السلام) و سنت عرفانی اسلام
۲۰۰ یاد خدا به عنوان صیقلی برای دل‌ها
۲۲۰ ذکر به منزله جوهره پرستش
۲۲۶ حقیقت ذکر
۲۸۳ ضمیمه ۱: خطبه اول نهج البلاغه
۲۹۷ ضمیمه ۲: نامه امام علی (علیهم السلام) به مالک اشتر

سخن ناشر

تریت اسلامی، مرجعیت علمی

«کاری کنید که دانشگاه امام صادق(ع) ... مرجع تحقیقات مراکز علمی و دانشگاه‌های دنیا بشود» مقام معظم رهبری^۱ دانشگاه‌های دنیا بشود» مقام معظم رهبری^۱ فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق(ع) که ازسوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته است، تربیت نیروی انسانی‌ای متعدد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل است تا این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در عرصه نظر و عمل به انجام رساند.

از این حیث «تریت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌باید زیرا که علم بدون ترکیه پیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

۱. از بیانات مقام معظم رهبری در ملاقات اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق(ع) مورخ

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیش‌گامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق(علیه السلام) درواقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که «ربع قرن» تجربه شده و هم اکنون ثمرات نیکوی این شجره طبیه در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران این نهاد است که امید می‌رود در طبیعه دور جدید فعالیتش بتواند به توسعه و تقویت آنها در پرتو عنایات حضرت حق تعالی، اهتمام ورزد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق(علیه السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کوتاهی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آنی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در سال جاری در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد.

هدف از این اقدام ضمیم قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند، درک کاستی‌ها و اصلاح آنها زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق را نیز فراهم خواهد کرد.

امید آنکه با گسترش کمی و کیفی دانشگاه‌های اسلامی در کشور و توسعه آن‌ها در افقی جهانی، شاهد ظهور انوار «علم مفیدی» باشیم که راه‌گشای جهانیان در گذار از شرایط کنونی برای نیل به سعادت واقعی باشد. در این راستا انتشارات دانشگاه امام صادق(ع) آمادگی کامل خود را برای دریافت و انتشار کلیه آثاری که با این هدف تهییه و تولید شده‌اند- اعم از منظرهای انتقادی، تحلیلی، توصیفی و کاربردی - اعلام می‌دارد.

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه مترجم

خدالوند را سپاسگزاریم که به ما فرصت داد تا در سایهٔ عنایت ذات اقدسش بتوانیم در این طرح پژوهشی برای شناساندن بخش کوچکی از حوزهٔ اندیشهٔ اسلامی به عنوان نمی از یعنی قدمی برداریم. کتاب حاضر برگزیدهٔ پانزدهمین دورهٔ جایزهٔ جهانی کتاب سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۸)^۱ جمهوری اسلامی ایران در تهران و کتاب سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷) ولایت در قم است^۲ که توسط آقای دکتر رضا شاه کاظمی، محقق ایرانی - پاکستانی و مالکی مذهب^۳ مقیم انگلستان، به نگارش درآمده است. علی رغم مذهب نویسنده، کتاب به حکم نگاه بیطرفانهٔ و علمی، که بررسی یک موضوع را از جنبهٔ های گوناگونی مورد بررسی قرار می دهد، دلالت بر بزرگی جایگاه حضرت امام علی (علیه السلام) دارد.

ترجمهٔ این اثر به دو دلیل برای اینجانب حائز اهمیت است: نخست آنکه پرداختن کتاب به اثری بدیع در ادبیات و صنایع آن، یعنی *نهج البلاغه*، به ادبیان و دوستداران ادبیات کمک می کند تا نگاهی ویژه به آثار اسلامی داشته باشند و آنها را در صدر فهرست برترین کتب ادبی بینند، چنانکه دلیل اصلی جمع آوری کتاب توسط مرحوم سید رضی نیز بлагعت ادبی آن بوده است.^۴ همچنین ترجمهٔ ادبی نامهٔ معروف حضرت به مالک اشتر و خطبهٔ اول

نهج البلاغه برای ما از آن جهت مفید بود که به تجربیات و نظریات جدیدی

در امر ترجمه متون ادبی و دینی دست می یافتیم.

دوم آنکه یکی از جنبه های زیبای این اثر شناساندن رویکردهای، نه خردگرایی بلکه عقل محور اسلام است. در دیدگاه پسانوگرایی (پست مدرنیسم، ساختارشکنی یا شالوده شکنی) بحث اشتباه پذیر بودن "مقابل های دوگانه" یا "قطبیت" (binary oppositions) مطرح می شود و به جای آن از اصطلاح "جفت های دوگانه" (binary pairs) استفاده می گردد. این بدان معناست که به طور نمونه روز و شب همیشه مقابل یکدیگر نیستند و گاهی اوقات یکی هستند، چنانکه شفق هم روز و هم شب می باشد.^۵ این نقطه نظر در شریعت کامل اسلام کشف یا اختراع به حساب نمی آید، چراکه این نظر در صدر اسلام توسط قرآن، پیامبر اعظم (صَلَّى اللّٰهُ عَلٰيْهِ وَسَلَّمَ) و حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بیان شده است؛ قرآن کریم بهترین نمونه ها را دارد: "آیا ندانسته‌اند که ما شب را قراردادیم تا در آن بیارامند و روز را روشن نمودیم [تا در آن به تلاش برخیزند؟] به راستی در این امور برای مردمی که ایمان می آورند نشانه‌هایی وجود دارد" (نمل ۸۶). این به منزله آنست که شب همیشه نماد سیاهی، جهالت، خبائث و از این قبیل ویژگی ها نیست. در این کتاب نیز چنانکه خواهیم دید وحی و عقل، تقليید و تحقیق، یقین و پرسش، فراموشی و یاد، عدالت و محبت، و ... متناسب با یکدیگر هستند.

با وجود این، از سوی دیگر چنین نظریه‌ای دارای محدودیت های خود می باشد و نمی توان همه مقابل ها را یکی دانست. ولی این بخش از ساختارشکنی در غرب آنچنان با استقبال مواجه شد که تمام فلسفه، ادبیات، زبانشناسی، روانشناسی و در یک کلام تمامی هنرها و علوم را دربرگرفت. ساختارشکنان از مثال هایی نظری نمونه فوق شروع می کنند اما مفاهیم عمیق دینی را نشانه رفته‌اند؛ آنها با برابر دانستن خوبی با بدی، گناه با معنویت، خدا

با شیطان و از این قبیل به در هم تنیدگی، غامض و دست نایافتنی بودن حقیقت می‌رسند.

البته باید در نظر داشت که این جریان پیشینه‌ای دیرینه دارد و به نیمة دوم قرن بیستم محدود نمی‌شود، زیرا تثلیث هم می‌تواند پیش زمینه پسانوگرایی باشد. ابتدا سعی بر آن داشتند تا به مخاطب خود القا کنند که حقیقت یا علم رسیدن به آن همیشه چیز خوبی نیست، بلکه بسیاری اوقات به زیان بشر است. با تحریف کتاب آسمانی انجیل و دست بردن در داستان آفرینش آدم و حوا کوشیدند تا نشان دهند که درخت دانش ابوالبشر را از بهشت بیرون راند و بدینختی های انسان همه ناشی از علم طلبی او هستند. حلقه های دیگر این تالی فاسد را یکی یکی کنار هم چیند و آثاری چون دکتر فاستوس اثر کریستوفر مارلو، چشم در برابر چشم اثر شکسپیر، بهشت گمشده اثر میلتون و بسیاری دیگر را در اذهان منفی جلوه دادند که به ذکر این چند نمونه از مشاهیر ادبی جهان بستنده می‌کنیم. اما دکتر فاستوس به دلیل علم طلبی نبود که به سرگذشت تراژیک دچار شد بلکه او از طریق سحر و جادو بر آن بود تا قدرتی ماورائی پیدا کند. چشم در برابر چشم که در باور غربی‌ها همانند آثار پسانوگرا دارای پایان، نتیجه گیری و حقیقت نیست عدالت و مقابله به مثل را به خوبی نمایان می‌سازد. بهشت گمشده نیز - چنانکه در اثر خدای قهرمان بدان اشاره کردیم^۷ - بر طبق نقد بیطرفانه به هیچ وجه بیانگر همتایی شیطان با خداوند نمی‌باشد.

این در حالی است که اسلام و قرآن همه را به سوی علم فرامی‌خواند و ارزشی والا را برای آن تعریف می‌کنند: "هَل يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ" ("آیا کسانی که دانش دارند و کسانی که بدون دانشند برابر می‌باشند؟") (زمر ۹).

اما پیرامون ترجمه کتاب باید عرضه بداریم که عنوان این اثر در فهرست برترین های کتاب سال عدالت و جاودانگی؛ معرفی معنویت امام علی^(ع) ذکر شده است، ولی چون محتوای آن ترجمه نشده بود دربرگیرنده برخی واژگان می باشد که بیانگر مفاهیم کتاب نیستند. نخست آنکه "جاودانگی" معادل درستی برای کلمه "Remembrance" نیست، و سپس با توجه به اینکه مبحث اصلی کتاب "ذکر الله" می باشد، این کلمه بازتاب دقیقی از مطالب این اثر ارائه نمی دهد؛ از این رو ترجمه کلمه فوق "یاد خدا" آمده است. علت عدم ترجمه این کلمه به صورت "ذکر" آنست که "یاد" مفهومی وسیع تر دارد و می تواند در سطح ذهن اتفاق بیافتد؛ حال آنکه "ذکر" عمل و نتیجه این "یاد" است؛ نویسنده نیز در یادداشت های خود بر این مطلب تأکید می کند. همنشینی این دو واژه، "عدالت و یاد خدا"، دلالت بر آن دارد که حضرت علی^{علیہ السلام} عدالت را به کمک مبانی الهی و روحانی اجرا می کردند و این بر خلاف تصویر ذهنی همراهی همیشگی عدالت ایشان با ذوقفار می باشد. چنانکه اشاره شده است دانش و نیروی عقل همان روحی هستند که در کالبد آدمی دمیده می شوند؛ چنانچه جهل جای آن دو را بگیرد زندگی انسان مرگی تدریجی است. وقتی می بینیم که در جنگ جمل حضرت تأکید دارند تا روح یک بادیه نشین را با معرفت درباره توحید زنده کنند، به خوبی پی می برمی که ایشان ابتدا بر نرم افزار پای می فشرده اند و اگر کارایی نداشت دست به ذوقفار می بردند.

اما بعد، زبان قاصر بشری کجا و "معرفی" حضرت کجا؛ چنانکه ریشه این کلمه همانند معرفت از شناختی ژرف حکایت می کند. همان طور که در ابتدای کتاب نویسنده بر روی بزرگی بی نظیر علی^(ع) پای می فشارد، بنابراین درست تر به نظر می آید که کلمه "Introduction" "آشنایی" آورده شود. در نهایت "Spirituality" نیز، نه "معنویت"، بلکه "روحانیت" معنا می دهد؛

معادل انگلیسی "معنویت" "intellectuality" از ریشه "intelligere" به مفهوم "فهم" می باشد.

در این ترجمان نخست سعی بر آن داشتیم تا جملات پیچیده و طولانی رایج در زبان انگلیسی را به طور ساده و قابل فهم اما با استفاده از واژه‌های تخصصی منتقل نماییم. در این راه کوشش نمودیم تا کلمات در حد امکان فارسی باشند. دوام آنکه برای تمام آیات قرآنی، گفتارهای *نهج البلاغه* و پیشتر احادیث مورد استفاده مؤلف همت را بر برگرداندن آنها از زبان مبدأ اصلی که عربی باشد گذاردیم، تا ترجمه به صورت دسته اول و با کمترین اختلاف معنایی منتقل شود؛ در این راه از ترجمه قرآن توسط حجت الاسلام و المسلمین شیخ حسین انصاریان که نسبت به نمونه های دیگر کم اشکال تر است و کتب اصلی رجوع شده توسط نویسنده استفاده نمودیم. در نهایت کوشیدیم تا در بخش پی نوشت های کتاب که خطبه اول و نامه حضرت به مالک اشتر را دربر می گیرند، کلام ادبی ایشان را به همان صورت ترجمه کنیم؛ در این راه نیز از ترجمه مرحوم دکتر آیتی، *فیض الاسلام اصفهانی* و آیت الله مکارم شیرازی بسیار بهره جستیم.

در پایان از تمامی استاید، پژوهشگران و دانشجویان عزیزی که در پی جستجوی حقایق ژرف شخصیت حضرت علی علیله مخاطب این کتاب قرار می گیرند استدعا داریم تا کاستی های ترجمه کتاب، دیدگاهها و سؤالات خود را با اینجانب از طریق (aliteraturist@yahoo.com) در میان بگذارند.

التماس دعا

مهدى شفیعیان

زمستان ۱۳۸۸

پیوشت‌ها

-
۱. "برگزیدگان جایزه جهانی کتاب سال معرفی شدند." همشهری.
۱۹ آذر ۱۳۸۷. <<http://www.hamshahrionline.ir/News/?id=45601>>
 ۲. مصاحبه - فرهنگی شماره ۱۰۳۳، ۸۶۱۱۰۱، ۱ بهمن ۱۳۸۶. خبرگزاری فارس. ۲۶ بهمن ۱۳۸۷.
 3. "I practise according to the *Maliki fiqh*, but am a lover of the Shi'a *madhab* also, needless to say." October 21, 2008. Available email: mithrashirin@yahoo.com. <<http://www.farsnews.com/printable.php?nn=8611010233>>
 ۴. سید رضی، نهج البلاخه. ترجمه و شرح سید علی نقی فیض الاسلام اصفهانی. تهران: انتشارات فیض الاسلام، ۱۳۹۵.
 5. Kevin A. Eaton, "A Deconstructor's View of 'Young Goodman Brown'." Charles F. Bressler, *Literary Criticism: An Introduction to Theory and Practice*. New Jersey: Prentice Hall, 1994.
 6. Mahdi Shaficyan, *I have the Hero*. North Carolina: Lulu, 2008.

پیشگفتار

منابع میراث معنوی امام علی

یکی از دلایلی که دانشمندان غربی بسیار اندک درباره محتوای معنوی میراث علی ابن ابیطالب قلم زده‌اند مسئله بحث برانگیز سنتیت مجموعه گستردۀ تعالیم متنسب به ایشان در سنت اسلامی است. بنابراین قبل از ورود به تأمل خود بر روی تعالیم روحانی این مجموعه، مناسب است کتاب را با نگاهی کوتاه بر این بحث آغاز نماییم.

تا حد زیادی این بحث بر روی اعتبار *نهج البلاعه*^۱ یعنی کتاب مهم‌ترین این خطبه‌ها و حکمت‌های نفر حضرت متمرکز شده است. این متن از مهم‌ترین منابع اصلی ای خواهد بود که در مقالات تشکیل دهنده کتاب حاضر به آن رجوع شده است. *نهج البلاعه* توسط سید رضی (متوفای ۴۰۶ هـ ق. ۱۰۱۶ م)، دانشمند مشهور شیعی اهل بغداد در زمان عباسیان^۲، جمع‌آوری شد. او این کتاب را از تمامی منابع در دسترس خویش، اغلب با سفر به نقاط دور در پی مطالب متنسب به امام علی، گردآوری کرد. وی هر آنچه می‌توانست در زمینه خطبه‌های نقل شده، نامه‌ها، وصایا و سخنان نفر و کوتاه ببابد جمع‌آوری نمود؛ برای *نهج البلاعه* آنها را انتخاب می‌کرد که به اعتقاد او از نظر آرایه‌های ادبی مهم‌ترین بودند. حاصل کار متمنی همانند یک

اثر چند تکه، بدون هیچ ترتیب مشخص زمانی یا موضوعی است. روشن است که بعضی خطبه‌ها قسمت‌هایی از متون بزرگ‌تر مفقود شده هستند، اما به هر حال در این مجموعه گنجانده شده‌اند. ولی همان‌گونه که همهٔ صاحب‌نظران بزرگ ادبیات عرب^۳ شهادت داده‌اند، سبک در تمام اثر یکسان باقی می‌ماند. ظرفیتی بی‌نهایت با عمق معنا همراه می‌شود تا این متن را نمونه‌ای حقیقی از بلاغت و فصاحت عربی در طول اعصار متمادی تا بدین روز سازد. در کلام شاید مهم‌ترین مفسر نهج‌البلاغه، ابن ابی الحدید (متوفی ۶۵۵ هـ. ق. یا ۱۲۵۶ م. ق. ۱۲۵۸ م.)، سخنان حضرت "پایین‌تر از سخن خالق و بالاتر از سخن مخلوقات" به شمار می‌روند ("دونَ کلامَ الخالقِ وَ فَوْقَ کلامِ المخلوقين")^۴.

اهداف سید رضی از گردآوری این اثر، ادبی، اخلاقی و روحانی بود؛ او قصد نداشت این کتاب مجموعه‌ای از تعالیم در محدوده قانون و اصول معین فقه و حدیث باشد. بنابراین وی اسناد را که همان فهرست‌های جزء به جزء نام راویان حکمت‌ها و خطبه‌ها هستند تهیه نمی‌نمود. همچنین از آنجایی که هدف اصلی سید رضی تهذیب و الهام بخشی، نه تصاذیق و اثبات، بود نام منابع مورد استفاده را ذکر نکرده است. اعتبار نهج‌البلاغه به عنوان کتاب ثبت خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی دقیقاً تا دو قرن پس از گردآوری آن زیر سؤال نرفت. تعداد بسیاری از منابعی که سید رضی مورد استفاده قرار داده بود به اندازهٔ کافی مشهور بودند تا عدم وجود سلسله راویان در نهج‌البلاغه اعتبار آن را به طور جدتی تحت تأثیر قرار ندهد.^۵ هرچند با مفقود یا ناپدید شدن تدریجی بسیاری از این منابع، چنین نقیصه‌ای در "أسباب فنی" اثر زیر سؤال بردن اعتبار انتساب آن به علی [علیه‌السلام] را پایه‌ریزی کرد. این ابن خالکان (متوفی ۶۸۱ هـ. ق. ۱۲۸۳ م.) زندگی نامه‌نویس بود که برای اویین بار جایگاه کتاب را مورد تردید قرار داد؛ ولی این گفته را، در کنار مسائل دیگر،

اظهار داشت که شاید خود سید رضی، یا برادرش سید مرتضی، مؤلف حقیقی باشد.^۶

در این رابطه یکی از اتهامات چنین بود: خطبه‌ها بیش از حد آراسته به سجع بسیار دقیق هستند که بتوان داعیه ایراد فی البداهه آنان را داشت. اما توانایی علی (علیهم السلام) در ایراد سخنرانی مسجع به طور فی البداهه، در کنار استناد دیگر، با خبر ذیل به اثبات می‌رسد، خبری که به دلیل اظهار آن توسط یکی از دشمنان شناخته شده علویان از همه اتفاقات کننده‌تر است. بعد از واقعه غم انگیز کربلا (۶۱ هـ/۶۸۰ م)، که در آن حسین ابن علی (علیهم السلام) و هفتاد و دو تن از نزدیک‌ترین خویشان و اصحاب ایشان به شهادت رسیدند، زینب [سلام الله علیها]، خواهر حسین (علیهم السلام)، در رد اتهام سخنرانی آتشین و چالش برانگیزی در دربار کوفه مقابل امیر عبیدالله ابن زیاد ایراد کرد. اگرچه ابن زیاد به عنوان یکی از اصلی‌ترین افراد مسئول در شهادت حسین (علیهم السلام) آماج حمله زینب [سلام الله علیها] بود، نمی‌توانست از ستایش قدرت و مهارت فن سخنوری او خودداری کند. وی علی‌رغم میل باطنیش سخنرانی او را ستایش کرد و گفت: «او با سجع سخن می‌گوید، دقیقاً همان‌طور که پدرش قبل از او چنین می‌کرد».^۷ توانایی امام علی در ایراد سخنرانی مسجع به طور فی البداهه اینچنین معروف بود و این روش سخنرانی به خاطرسپاری حتی خطبه‌های طولانی را برای مخاطبان ایشان بسیار آسان‌تر می‌کرد.

طی قرون‌ها دانشمندان شیعی با سعی و کوشش اتهامات واردہ بر اعتبار نهجه البلاعه را رد کرده‌اند و در دهه‌های اخیر زحمات علمی زیادی کشیده شده است تا اول آنکه به اثبات بررسی مطالب تشکیل دهنده کتاب اصلاً نمی‌توانند اثر سید رضی باشند، زیرا حجم گسترده‌ای از این مطالب در منابع پیش از او یافت شده‌اند؛ و دوم آنکه بیشتر مطالب را می‌توان از طریق راویان قابل اعتماد تا شخص حضرت ردیابی کرد، حتی اگر همه سخنان بالاترین

شأن را در سنجهش اعتبار حديث - شأن متواتر که به سخن نقل شده از طریق سلسله‌های بسیار شامل راویان قابل اعتماد اطلاق می‌شود و اعتبار آن نمی‌تواند به طور جدی مورد تردید قرار گیرد - احراز نکنند. در پژوهش‌های اخیر که صرف واکاویدن منابع همه خطبه‌ها، نامه‌ها و گفته‌های نظر شده‌اند، دو اثر به طور ویژه شایان ذکر است: *مصادر نهج البلاغه و آسانیه* (منابع نهج البلاغه و اسناد آن) اثر عبدالزهرا الحسینی الخطیب و مدارک نهج البلاغه (منابع مستند نهج البلاغه) اثر عبدالله نعماء، که هر دو اثر گنجینه بزرگ منابع استخراج مطالب نهج البلاغه توسط سید رضی را به اثبات می‌رسانند و در واقع این اتهام را که او مؤلف حقیقی است رد می‌کنند.^۸

مختار جبلی در خلاصه‌ای از پژوهش قابل توجهش بر روی این موضوع در مقاله‌ای پیرامون نهج البلاغه در دانشمنه اسلام می‌گوید:

این غیرقابل انکار است که بخش بزرگی از نهج البلاغه، مخصوصاً متون ستایشی و تاریخی معین، می‌تواند واقعاً متسرب به علی (علیهم السلام) باشد، اگرچه تعیین اعتبار بخش‌های مشکوک تر دشوار است . . . از این گذشته امکان آن وجود داشته است تا تعداد قابل توجهی از متون را به همراه اسناد کاملشان شناسایی کنیم که قدمت آنها به زمان علی (علیهم السلام) باز می‌گردد. دانشمندان مشهور باستانی نظیر الطبری، المسعودی، الجاهر و بسیاری دیگر این متون را بر شمرده‌اند.^۹

دیگر منبع اصلی در این کتاب *غُرُرُ الْحِكْمَ وَ ذُرُرُ الْكَلِم* (حكمت‌های رفعی و مرواریدهای سخن)،^{۱۰} مجموعه‌ای قابل توجه از سخنان نظر و کوتاه متسرب به حضرت می‌باشد. در خبر است که گردآورنده عبدالواحد آمیدی (متوفای ۵۱۰ هـ-ق. ۱۱۱۶ م.) شاگرد صوفی بزرگ احمد غزالی - برادر ابو

حامد غزالی معروف‌تر — و یکی از استادان ابن شهرآشوب (متوفای ۵۸۸ هـ/۱۱۹۲ م)، مؤلف کتاب مهم زندگی نامه ائمه شیعه مناقب آل ابی طالب می‌باشد؛ بنابراین او کارشناس مهمی در محافل علمی شیعه به شمار می‌رود.^{۱۱} قدمت قدیمی ترین نسخه این کتاب به سال ۵۱۷ هـ/۱۱۳۳ م. بازمی‌گردد و شامل بیش از ده هزار سخن کوتاه حضرت می‌باشد که از منابع مختلفی شامل خود نهج البلاغه، معه کلام (یکصد کلام نظر) حضرت - گردآوری شده توسط بر جسته ترین ادیب عرب آن زمان، جاهر (متوفای ۲۵۵ هـ/۸۶۹ م).^{۱۲} - *تحف العقول* (هدایای زینت‌ده عقل‌ها) اثر ابن شعبه، و *دستور معالم الحکم* (دفتر ثبت ویژگی‌های خاص سخنان حکمت‌آموز) اثر فقیه شافعی القاضی ابو عبد الله النضاعی (متوفای ۴۵۴ هـ/۱۰۶۲ م). جمع‌آوری شده است. همچنین گهگاهی به مجموعه‌های باستانی حدیث شیعه همچون اصول کافی اثر گلینی و التوحید اثر ابن باتیه صدوق رجوع خواهیم کرد.^{۱۳}

هر اعتباری که به این سخنان متسب شود، انسان می‌تواند گفته کلی ذیل از حضرت را به عنوان کلید ورود به پیام اصلی کتاب که کاملاً مستقل از هویت مؤلف می‌باشد برگزیند: “بنگر که چه کسی سخن را گفته است، بلکه بنگر که چه گفته است.”^{۱۴} برای هر بیننده بیطرف، و نه فقط جویننده مسائل روحانی، محتوای ژرف و تأثیر نافذ سخنان به تنها ای اهمیت آنها را به اثبات می‌رسانند و بنابراین با هر درجه‌ای از اعتبار تاریخی جدی تلقی می‌گردند. امر مسلم آن است که این تعالیم آنقدر برای تمام منابع یک سنت روحانی مهم هستند که نمی‌توان آنها را تنها بر اساس اسناد تاریخی ارزیابی کرد. برای آنسان که در میان احادیث به دنبال معنا هستند، طبعاً ژرفای روحانی بسیار مهم‌تر از صحّت تاریخی است. تبادل نظر ذیل میان علامه طباطبائی و هانزی گُرین (Henry Corbin) این مطلب را به خوبی نشان می‌دهد:

روزی در دهه ۶۰ [میلادی] کربین از محضر علامه طباطبایی این سوال را پرسید: "به عنوان یک صاحبنظر برجسته در فلسفه شیعی و اندیشه دینی، چه دلیلی دال بر تعلق نهج‌البلاغه به امام اول، علی (علی‌الله‌آ)، دارد؟" استاد ارجمند فلسفه اسلامی پاسخ دادند: "برای ما شخصی که نهج‌البلاغه را نوشته است علی (علی‌الله‌آ) می‌باشد، حتی اگر او یک قرن پیش زندگی می‌کرد.^{۱۵}"

حتی از منظر دانشگاهی، نقش و تأثیر سخنان و تعالیم حضرت غیرقابل انکار است. یا بهتر بگوییم، تا جایی که دانشمندان از نقطه نظر بیطرفانه پدیدارشناسی به مسئله نگاه کنند، اهمیت ویژه آنها مورد توافق است؛ یعنی این نقطه نظر بر روی آن دسته از عوامل یک سنت دینی مشخص که در واقع سرچشمه‌های جستجوی معنا و روشنگری را شکل می‌دهند جذیت می‌ورزد. این همان نقطه نظر مورد حمایت هانری کربین است که همه دانشمندان و پویندگان راه علم برای توضیح و تشریح ابعاد ژرف‌تر اندیشه اسلامی بی‌نهایت وامدار و سپاسگزار وی هستند. به طور مشخص در مورد مسئله منشاء نهج‌البلاغه که کاملاً تأثیر پاسخ علامه طباطبایی را بر وی نمایان می‌سازد این طور می‌نویسد: "به منظور فهم محتویات این کتاب، بهترین روش، پدیدارشناسی، یعنی بر اساس هدف مشخص آن می‌باشد؛ هر کس این کتاب را نگاشته باشد، این امام علی (علی‌الله‌آ) است که سخن می‌گوید. کتاب اعتبار خود را وام‌دار سخنان ایشان می‌باشد."^{۱۶} چنین برداشتی از نهج‌البلاغه به خوبی بیانگر اتخاذ رویکرد کلی کربین درباره منابع سنت عقلی اسلام است. این متون را باید به طور عمیق مطالعه کرد؛ انسان می‌بایست از حروف به روح سخن و از صورت به جوهره آن پی ببرد، و برای انجام دادن مؤثر این عمل

انسان تنها می‌تواند بر روی ژرف‌ترین گفته‌های روحانی این منابع تعمق داشته باشد، نه اینکه دامنه کنکاش خود را به بافت تاریخی این متون محدود سازد. گفته حضرت را تکرار می‌کنیم: "تنگر که چه کسی سخن را گفته است، بلکه بنگر که چه گفته است." در اینجا تأکید بر روی معناست و معنا بر صاحب سخن ارجحیت دارد؛ صاحب سخن به منزله تمام گسترده عوامل تاریخی به وجود آورنده متن است. به بیان ساده، قرار دادن یک متن در بافت تاریخی - چه کسی، چه وقت و با چه هدفی آن را نوشته است - همانند توضیح و فهم معنای آن نمی‌باشد. این به معنای انکار تاریخ نیست، بلکه منکر این مسئله است که حقایق جهانی یا حکمت روحانی را می‌توان اساساً با چیز محتملی همانند تاریخ تعیین کرد. گونه بیان آنها ممکن است تغییر کند، اما ژرف‌ترین حقایق مرتبط با بنیادی ترین و تغییرناپذیرترین مسائل روح بشری جهانی هستند و در تجربه بشری جای دارند. حقایقی را که نسل به نسل می‌توانند تغییر کنند نمی‌توان حقایق نامید؛ نمی‌توان گفت که آنها بر روی آنچه روح بشری را چنین می‌کند تأثیر گذارند.^{۱۷}

به طور کلی یکی از مهم‌ترین خدمات کربنین به فهم متون اسلامی توانایی وی در قابل دسترس و چالش برانگیز کردن همزمان این سنت است. او از طریق تفاسیر و تعمیقات خلاقاله‌اش حقایق این سنت را از میان حجاب‌های زمان و مکان آشکار می‌سازد. حتی اگر شخصی با تمام تفاسیر وی موافق نباشد، او در برانگیختن آگاهی ما نسبت به اندیشمندی متون تفسیری اش به طور شکفت‌انگیزی موفق نشان می‌دهد. وقتی سنت شیعه را بررسی می‌کند، موفق به نمایاندن این نکته می‌شود که متون اصلی این سنت، فارغ از "بیت فهرستی از نظرات همگرا"^{۱۸}، "آینه‌ای تمام‌نما از اهداف غایی اندیشه شیعی هستند."^{۱۹}

با وجود این، نقطه‌نظر اتخاذ شده در این کتاب تنها به اندیشهٔ شیعی محدود نمی‌شود. علی‌رغم این واقعیت که نهج‌البلاغه بعد از قرآن و سخنان پیامبر یکی از متون اساسی اسلام به شمار می‌رود، نباید آن را صرفاً یک متن شیعی در نظر گرفت.^{۲۰} از نظر تاریخی روشن است که نهج‌البلاغه در سنت شیعه مهم‌ترین و نافذترین کتاب بوده است. اما نقش آن در روایات اهل تسنن نیز از اهمیت بالایی برخوردار بوده است، که امیدواریم در بخش‌های بعدی آن را نشان دهیم. می‌توان و به اعتقاد ما باید تمام مجموعه سخنان حضرت را از یک منظر جامع‌تر مورد لحاظ قرار داد. به جای محاکمه کردن خود به نقش آن در سنت شیعه، سودمندتر است که این مجموعه را فقط و فقط منبعی از حکمت ذاتاً نامحدود تلقی کنیم.

از ابتدا موضع مؤلف را روشن می‌کنیم؛ در این مقالات هدف تنها تفکر از ”درون“ بر روی سخنان حضرت به عنوان ناظری بیطرف، یعنی فارغ از التزام به اصول اعتقادی دین اسلام، بوده است. در اینجا تلاش بر اینست تا سخنان امام^{۲۱} را هم از جهت تعالیم اساساً اسلامی و هم جهانی و ورای مرزهای تعیین کننده سنت دینی مختلف مورد ارزیابی قرار دهیم. منافاتی وجود ندارد اگر آنچه اساس پیام روحانی اسلام است، دارای حداقل ”شبهات‌های خانوادگی“ معینی با پیام روحانی دیگر ادیان باشد، و در بالاترین حد با آنها به هر شکل دینی‌ای که ارائه شوند یکسان باشد: ”و پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به او وحی کردیم که معبدی جز من نیست. پس تنها مرا پیرستید“ (انبیاء ۲۵). به دلیل همین هویت اساسی ادیان آسمانی به مسلمانان سفارش شده است نه تنها ”به خدا و فرشتگانش و کتاب‌هایش و پیامبرانش“ ایمان آورند، بلکه با قطعیت اظهار بدارند که ”ما میان هیچ یک از پیامبران او فرق نمی‌گذاریم“ (بقره ۲۸۵).^{۲۲}

حتی اگر اغلب سخنان حضرت دانستن منابع خاص مکاشفه اسلامی یعنی قرآن و سنت پیامبر را پیش فرض قرار دهد، یکی از برجسته‌ترین جنبه‌های نقطه‌نظر ایشان روشی است که در آن محتواهای جهانی مسائل اخلاقی و روحانی این منابع به ظهور می‌رسد. تکیه ما بر روی جهان شمولی پیام حضرت مستلزم عدم حضور ویژگی‌های بسیار خاص نیست؛ هدف صرفاً تأکید بر آن است که جوهره پیام قابل تنزیل به هیچ یک از خصوصیات مرتبط با مکاتب فکری دینی یا حقوقی بعد نیست. دقیقاً در همین جنبه‌های روحانی، اخلاقی و معنوی است که جوهره پیام یافت می‌شود؛ در این حوزه‌هاست، نه در گستره‌های شرع و خداشناسی، که گفتمان اسلامی برای افراد متعلق به شریعت‌های مختلف دینی جهانی‌ترین و قابل فهم‌ترین می‌باشد.

به منظور پیروی از توصیه فوق الذکر - "تنگر که چه کسی سخن را گفته است، بلکه بنگر که چه گفته است" - انسان می‌بایست بر روی تعالیم علی (علی‌الله) تمرکز کند، نه به دلیل اینکه او "اویین امام" یا "چهارمین خلفای راشدین" بوده است، بلکه به این دلیل که آنها دارای ارزش ذاتی، ژرفای معنوی و اندیشمندی روحانی هستند. این به معنای انکار اهمیت رهبری علی [علیه السلام] نیست، بلکه به معنی فهم این مطلب است که به دلیل حکمتش رهبری بزرگ یا یکی از رهبران "راستین" - آنچنان که ایشان در مورد خود می‌فرمایند: "امام الحق"^{۲۳} - می‌باشد؛ این نقطه مقابل چنین ادعایی می‌باشد که چون وی رهبر بوده بایستی حکیم می‌بوده است. صرف نظر از نقش سیاسی وی، او یک راهنمای روحانی بود و با درکی ژرف‌تر، اکنون نیز با کلامی برخوردار از قدرت اقانع طی قرون متعددی در گفتگویی جاودان برای همه آنان که "گوش شنوا دارند" یک راهنمای باقی خواهد ماند.

پی‌نوشت‌ها

1 . In this work we shall be referring mainly to the first critical edition of the text of the *Nahj al-balagha*, which was published by the *Nahj al-balagha* Foundation in Tehran (edited by Shaykh ‘Azizullah al-‘Utadi) in 1993. In order to provide the reader with the context for all citations, we shall also give references to the best available complete translation of the text in English, that of Sayed Ali Reza, *Peak of Eloquence* (New York, 1996) which will hereafter be referred to as *Peak*.

تمام ترجمه‌های متن عربی *نهج البلاغه*، شامل پی‌نوشت‌های از نویسنده حاضر است، مگر آنکه طور دیگری گفته شود.

2 . پادر سید رضی نبیره امام موسی کاظم، پسر امام جعفر صادق، بوده است. و مادرش نبیره امام زین‌العلابدین، پسر حسین ابن علی این ایطالیب، بوده است. برادر بزرگ تر وی عالم ریانی معروف سید مرتضی بوده است. هر دو برادر شاگرد عالم نافذ و ارجمند شیعی آن زمان شیخ مفید (متوفی ۴۱۳ هـ. ق. ۱۰۲۲ م.) بوده‌اند.

3 . For an appraisal of Imam 'Ali's influence in this domain, see Sayyid Muhammad Rastgu, 'Esa'hat wa balaghat-i Imam 'Ali, in 'Ali-Akbar Rashad, ed., *Danish-namah-i Imam 'Ali* (Tehran, 2001), vol.11, pp.11-76, which includes a series of sayings from distinguished figures of Arabic literature, such as Jahiz (d. 254/868) and Ibn Nubata (d. 374/984-5), on the unsurpassable greatness of 'Ali as regards rhetoric and eloquence; and Muhammad 'Abduh's introduction, reprinted in the Beirut, 1996 edition of the *Nahj al-balagha*, pp.67-74. See also Muhammad al-Rayshahri, ed., *Mawsu'at al-Imam 'Ali ibn Abi Talib fi l-kitab wa l-sunna wa l-tarikh* (Qom, 1421/2000), vol.9, pp.5-102, for a selection of poetry, written by poets of every century from the beginning of the Islamic era to the present, extolling Imam 'Ali and bearing witness to his influence on them; and vol.10, pp.261-289, for early sources referring to his instrumental role in Arabic literature, including the foundation of such disciplines as grammar.

4 . *Sharh Nahj al-balagha li-Ibn Abi'l-Hadid* (Beirut, 1965), vol.1, p.24.

5 . See Abu'l-Fadl Hafiziyan Babuli, 'Nahj al-balagha', in A.A. Rashad, ed., *Danish-namah*, vol.12, pp.22-23.

6 . Ibid., p.15.

7 . Quoted by Ja'far Shahidi on p.ya' ta' of the introduction to his Persian translation of the *Nahj al-balagha* (Tehran, 1378 Sh/1999).

8 . 'Abd al-Zahra' al-Husayni al-Khatib, *Masadir Nahj al-balagha wa asamiduh* (Beirut, 1988); 'Abd Allah Ni'ma, *Madarik Nahj al-balagha* (Beirut, 1972).

9 . Moktar Djebli, 'Nahdj al-Balagha, EI2, vol.7, p.904. See also Moktar Djebli, 'Encore a propos de l'authenticite du Nahj al-balagha!' *Studia Islamica*, 75, 1992, pp.33-56.

10 . 'Abd al-Wahid Amidi, *Ghurar al-hikam wa durar al-kalim*, 2 vols., given together with the Persian translation, under the title, *Guftar-i Amir al-mu'minin 'Ali*, by Sayyid Husayn Shaykhul-Islami (Qom, 2000). We shall also refer occasionally to the one-volume edition *Ghurar al-hikam wa durar al-kalim* (Qom, 2001), which appears with the Persian translation of Muhammad 'Ali Ansari. Whenever references are made to the former, it will appear as *Ghurar*, followed by the volume number; reference to the latter edition will appear as *Ghurar* (Ansari).

11 . See Nasir al-Din Ansari Qummi, 'Ghurar al-hikam wa durar al-kalim', in A.A. Rashad ed., *Danish-namah*, vol.12, p.246.

۱۲ . گفته می شود جاهز تنها وجود این کتاب گردآوری شده را در حال احتضار برای شاگردش احمد بن ابی طاهر آشکار ساخت. او نقل می کند، جاهز در چندین موقعیت به وی گفته بود: یکصد سخن از علی (علیہ السلام) وجود دارد که "هر کدام برابر با هزار سخن دانشمندان ادبیات عرب است".

See 'Ali Sadra'i Khu'i, 'Mi'a kalima'; in A.A. Rashad, ed., *Danish-namah*, vol.12, p.472.

سخن آغازین این مجموعه همان جمله معروف است: "اگر حجاب کنار رود، بر یقین من افزوده نخواهد شد" ("لو کُثِيفَ الغطاء، ما آزدَدْتُ يقينًا").

13 . Muhammad b. Ya'qub al-Kulayni, *al-Usul min al-Kafi* (Tehran, 1418/1997-8); Abu Ja'far Muhammad b. 'Ali b. Babawayh al-Saduq, *al-Tawhid* (Beirut, 1967).

۱۴ . "لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ وَ النَّظرُ إِلَى مَا قَالَ" (*Ghurar*, vol.2, p.1222, no.68)

15 . This account was given by Seyyed Hossein Nasr in his 'Reply to Zailan Moris', in *The Philosophy of Seyyed Hossein Nasr*, The Library of Living Philosophers, vol.28, cd. L.E. Hahn, R.E. Auxier, L.W. Stone Jr. (Carbondale, IL, 2001), p.635.

شایان ذکر است که نصر مقاله آغازین این اثر مهم، "شرح حال معنوی خود" (An 'Intellectual Autobiography' عرفان و علم ماوراء الطبيعه اسلامي "شروع می نماید. (همان، ص ۳).

16 . Henry Corbin, *History of Islamic Philosophy*, tr. Philip Sherrard (London, 1993), p.35.

۱۷ . "هیچ چیز جدیدی در زیر خورشید وجود ندارد." جامعه، فصل اول، آیه ۹

۱۸. برای کریم "از آنجایی که یک سنت الهامی پیوسته در حال نوشدن، و نه یک صفحه تشییع جنائزه یا دفتر ثبت نظرات همگرای است خود را به صورت چیزی زنده منتقل می‌کند. مستولیت مرگ و زندگی مسائل روحانی بر عهده ماست؛ اگر قرار است این مسائل روحانی 'در زمان حال' برایمان باقی بمانند، 'در گذشته' جای نمی‌گیرند، مگر آنکه ما تغییرات مورد نیاز آنها را از قلم بیاندازیم یا از آن سر باززنیم." (*En Islam iranien*, Paris, 1971), vol.1, p.33)

See our essay, 'Tradition as Spiritual Function', *Sacred Web*, no.7, 2001, pp.37-58, for elaboration on this aspect of the meaning of tradition.

19. Corbin, *History of Islamic Philosophy*, p.36.

۲۰. این مطلب، جدای از مسائل دیگر، با این واقعیت که مهم‌ترین تفسیر بر روی متن *نهج البلاعه* در هر دو شریعت شیعی و سنتی شاید تفسیر به قلم سنتی معتزلی، ابن ابی الحدید، باشد به اثبات می‌رسد. این به مفهوم نفی آن سخنان متعادل در حمایت از نقطه نظر شیعی درباره جاشیینی پیامبر، به ویژه خطبه سوم، معروف به شیقشیقیه، نیست. مسئله اینست که اگر دغدغه اصلی ما پیام روحانی این کتاب باشد، باید آن را از میان منشور بحث تاریخی و منازعه سیاسی ببینیم.

۲۱. اگر در کتاب حاضر به علی (علیه السلام) با عنوان "امام" اشاره می‌کنیم، هدفمنان کلی ترین معنای این واژه یعنی "رهبر" است تا نه در ک خاص شیعه از نقش ایشان به عنوان امام اوّل را از نظر دور دارد، و نه لزوماً این معنا را به ذهن متبدار کند.

22. See our *The Other in the Light of the One: The Universality of the Qur'an and Interfaith Dialogue* (Cambridge, 2006), for discussion of this and related themes, based principally upon mystical exegesis of the Qur'an.

۲۳. آن کسانی "رهبران راستین" توصیف می‌شوند که معاشی بیش از فقیرترین رعیشان برای خود پذیرند (Nahj, p.244; Peak, p.420).

فصل اول

— ۵۱ —

آشنایی با امام علی و شخصیت روحانی ایشان

أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلَيْهَا فَنَنُ أَرَادُ الْعِلْمَ فَلَيَاتِ الْبَابِ.^۱

من شهر دانش هستم و علی در آن می باشد، پس هر کس در طلب دانش است باید از آن در وارد شود.

سخن گفتن از علی ابن ابیطالب (علیهم السلام)، پسر عموم و داماد حضرت محمد، چهارمین خلیفه اسلام و اوّلین امام شیعیان، سخن گفتن از ذات روحانی شریعت اسلام است؛ به دلیل اینکه در این شخصیت محوری صدر اسلام، انسان تبیین جدایی ناپذیر دو منبع اساسی روحانیت اسلامی یعنی نزول قرآن و سنت وحیانی پیامبر را درمی یابد.^۲ منظور از سنت اعتقاد تنزی بسیار رایج در زمان خودمان یعنی تنها تقلید ظاهری کردار پیامبر نیست، بلکه منظور ذات روحانی کمال پیامبر است که خود قرآن بدان اشاره می کند: "به درستی که تو دارای سرشت شکری هستی" (قلم ۴).^۳ گفتارها و کردارهای پیامبر بیانگر این ذات روحانی می باشند اما حق مطلب را ادا نمی کنند. درک روحانی این ذات، و نه فقط تقلید ظاهری گفتار و کردار، هدف هر مسلمان روحانیت محور است. وابستگی عمیقی بین روح یک مؤمن و ذات پیامبر وجود دارد، قرابت رازگونهای که ورای زمان و مکان می باشد، چنانکه در این آیه بیان شده است: "پیامبر به مؤمنان از خودشان نزدیکتر می باشد" (احزاب ۶). بنابراین، مؤمن

در کننده مسائل روحانی با شم خود تا حدی درمی‌یابد که پیامبر به روشنی مظهر کمال تعیین کننده همان جوهر روح خود اوست.^۰

از این رو، تعجب برانگیز نیست که بینیم پیامبر (علی‌الله‌آکر) می‌فرمایند: «علی (علی‌الله‌آکر) همانند خود من (کَفْسِيْ) است»؛^۱ بدین ترتیب نه تنها بر رابطه بسیار نزدیک بین علی (علی‌الله‌آکر) و خود ایشان، بلکه بر وابستگی فوق الذکر و در نهایت بر همانندی بین هر نفس مقائمه و ذات نبوی صحنه می‌گذارند. اسرارآمیزتر آنکه به علی (علی‌الله‌آکر) فرمودند: «تو از من هستی و من از تو هستم» («أَنْتَ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكَ»).^۲ همچنین هنگامی که شباهت علی (علی‌الله‌آکر) و ذات قرآن را مورد توجه قرار می‌دهند، این فرمایش پیامبر را داریم: «علی با قرآن است و قرآن با علی است. آن دو از هم جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض [بهشت] پیش من برگردند».^۳ بنابراین روح قرآن و روح پیامبر در علی (علی‌الله‌آکر) کاملاً نهادینه شدند و این نهادینه‌سازی دو منبع وحی اسلامی است که مسیر روحانی اسلام را تشکیل می‌دهد.

راه اصلی ما برای تحقیق و تعمق بر روی روحانیت امام علی بررسی مجموعه تعالیم متنسب به وی می‌باشد. حتی اگر همه هزاران سخن متنسب به ایشان را نتوان با اطمینان به وی نسبت داد، همان بزرگی چنین مجموعه ای گواه این واقعیت است که او در واقع می‌باشد تعداد بسیار زیادی از تعالیم ژرف را بیان کرده باشد. هیچ یک از اصحاب پیامبر اثری در حد و اندازه مجموعه متنسب به علی (علی‌الله‌آکر) ندارند. همین‌طور، حتی اگر نقش اساسی ایشان در توسعه گستره کاملی از علوم شامل فقه، کلام، تفسیر، بلاغت، نحو و خط، دانش عرفانی مرتبط با صوفی‌گرایی، در کنار علوم غریبه‌ای چون جفر و کیمیا^۴ مورد بحث قرار گیرد، این واقعیت که او در این رشته‌ها توسط صاحبینظران بعد خود به عنوان محیا‌کننده انگیزه اولیه علوم آنها شناخته

می شود، بر اهمیت نافذ و دست نایافتمنی هم تعالیم بنیادی و هم درخشندگی شخصیتی وی دلالت دارد.

با توجه به اینکه علوم عقلی اسلامی به طور کلی با علی (علیه السلام) شناسایی می شوند، تعریف پیامبر از وی به عنوان در حکمت نبوی که در سرلوحه این فصل ذکر شد، هم ظاهر توصیفی از رابطه علی (علیه السلام) و پیامبر در زمان خودشان و هم پیش بینی ایفای نقش وی در ارتباط با پیشرفت های بعدی علوم شرعی را به خود می گیرد. تمامی چنین علومی به معنای تجلی های بسیار مختلف ظاهری و صوری روح درونی و ذاتی وحی اسلامی هستند، روحی که امام علی آن را به صورت یک ترکیب درک و با امانت داری منتقل کردند. اما قبل از پیگیری بیشتر این بحث باید خلاصه تاریخی مهمی از زندگی ایشان ارائه دهیم.

خلاصه زندگی نامه

علی (علیه السلام) به معنای حقیقی کلمه پیرو پیامبر بود. او از نظر جسمی در سایه پیامبر زندگی می کرد و از نظر روحانی همه درخشش پیامبر را جذب خود می نمود. رابطه نزدیک بین آنها در قالب کلمات یکی از خطبه های حضرت خلاصه می شود:

وقتی کودکی بیش نبودم وی [پیامبر] مرا زیر پر و بال خود گرفت . . . همانند بچه شتری که پا جانی پای مادرش می گذارد، به دنبال ایشان حرکت می کردم. هر روز چشمهای از اخلاقی خویش را بر من آشکار می ساخت و مرا به پیروی از آن امر می فرمود. هر سال در [کوه] حیرا خلوت می گزید. من او را می دیدم و هیچ کس جز من وی را نمی دید. در آن زمان هیچ خانواده ای از اسلام به جز رسول الله. خدیجه، و من به عنوان

سوئین نفر شکل نگرفته بود. نور وحی و رسالت را می‌دیدم و
شیمیم پیامبری به مشام می‌رسید.^{۵۰}

این علی [علیه السلام] به عنوان پیرو و ناقل امانت‌دار سنت نبوی است که ما می‌خواهیم در این خلاصه زندگی نامه به او پردازیم. بنابراین نگاهی گذرا به اوایل زندگی ایشان، از تولد وی (حدود ۵۹۹ م.) تا وفات پیامبر (۱۱ هـ.ق.). خواهیم انداخت. در اینجا نه به دوره دوم زندگی وی، از وفات پیامبر تا به عهدگیری خلافت (۳۵ هـ.ق. ۶۵۷ م.)، و نه به دوره سوم - شامل دوره کوتاه خلافت او که تحت الشعاع جنگ‌های داخلی غمانگیز قرار گرفت و متوجه به شهادت ایشان در سال ۴۰ هـ.ق. ۶۶۱ م. گشت - خواهیم پرداخت، چراکه مسائل مطرح در این قسمت‌های زندگی ایشان با پیجیدگی‌های تاریخی و تاریخ‌شناسی همراه است.^{۵۱} چنین بحث‌هایی ما را از هدف اصلی این کتاب یعنی آشنایی با شخصیت روحانی این چهره فوق العاده به طوری که نمایانگر ارتباط جهانی آن هم در خود اسلام و هم فراتر از شریعت اسلام باشد منحرف می‌سازد. با در نظر گرفتن اینکه چنین شخصیتی فراتر از مرزهای ظاهری دین و همین‌طور فراتر از مسائل سیاسی پایه‌ریزی کننده جنبه ظاهري اختلاف شیعه و سنی است، چنین مسائلی فقط به منحرف کردن ذهن از پیام اصلی روحانیت علی [علیه السلام] کمک می‌کند.

اتفاقاً چیزی که در اینجا می‌خواهیم نظرها را به سوی آن جلب کنیم نیروی یکپارچه کننده تعالیم روحانی وی می‌باشد که همه مسلمانان با هر مکتب فکری بر روی اهمیت فراوان و ژرفای آن اتفاق نظر دارند. سپس در ادامه نگاهی کوتاه به اوایل زندگی علی (علیه السلام) که با پیامبر سپری شد و سخنان متقدن ایشان در توصیف وی خواهیم انداخت، زیرا اینها پیشینه غیرقابل انکاری را شکل می‌دهند که در راستای آن باید نقش علی (علیه السلام) را به عنوان در حکمت نبوی مورد ملاحظه قرار داد. آنگاه در بخش دوم فصل آغازین به

بررسی اصول اساسی شخصیت روحانی وی با تأکیدی ویژه بر روی نقش عقل در آن شخصیت خواهیم پرداخت.

برطبق همه صاحبینظران شیعه و چندین منبع اهل تسنن، علی (علیه السلام) بر اثر تولد در کعبه تمایز ویژه‌ای داشت.^{۲۱۴} مادر او فاطمه بنت اسد و پدرش ابوطالب، پسر عبدالملک، عضو مهمی در قبیله بنی هاشم بود. ابوطالب مراقبت از یتیم جوان، محمد پسر برادرش عبدالله، را به عهده گرفته بود و سپس در هنگام تبلیغ آشکار پیام اسلام در مکه حامی اصلی وی گشت. محمد چندین سال قبل از شروع رسالتش در زمان خشکسالی با به عهده گرفتن مراقبت از علی پسر ابوطالب که در آن زمان حدود پنج سال داشت فشار را از روی شانه‌های او برداشت. از این زمان به بعد علی (علیه السلام) حکم پسر وی را داشت و به ندرت از او جدا می‌شد.

علی اوّلین مردی به شمار می‌رود که به دین اسلام مشرف شد، اگرچه کودک نه یا ده ساله‌ای بیش نبود. ابوبکر اوّلین مرد بالغ بود که به دین جدید مشرف می‌شد و خدیجه [سلام الله علیها]، همسر پیامبر، اوّلین زن بود. طبعاً پاسخ بی‌درنگ این پسر به پیام نبوت و وفاداری پایدار وی به پیامبر از اهمیت زیادی برخوردار است. وقتی در حدود سه سال بعد توسط وحی به پیامبر دستور داده شد "خویشان نزدیک خود را [از عذاب الهی] بیم ده" (شعراء ۲۱۴)، ایشان اعضای مهم قبیله‌شان را به میهمانی دعوت کردند و سپس خطاب به آنان چنین فرمودند: "ای پسران عبدالملک، هیچ عربی را نمی‌شناسم که با پیامی برتر از پیام من به سوی قومش آمده باشد. من بهترین دنیا و آخرت را برای شما آورده‌ام. خداوند به من فرمان داده است تا شما را به سوی او فراخوانم. حال کدامیک از شما در این امر به من کمک خواهد کرد و برادر، وصی و جانشین من در میان شما خواهد بود؟" همه خاموش ماندند، جز علی جوان (علیه السلام) که با صدایی رسا گفت: "ای پیامبر خدا، من شما را در